

تأثیرپذیری شعر معاصر ایران از ادبیات غرب

راحله ایران پور

۱. مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بیضا، دانشگاه آزاد اسلامی، بیضا، ایران. رایانامه:

rahele.iranpour@iau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله (۷۱-۹۲)

شعر معاصر ایران به‌ویژه از اواخر دوره قاجار و پس از انقلاب مشروطه، تحت تأثیر ادبیات غرب دستخوش تحولات چشمگیری شد. این تأثیرپذیری در دو بعد فرم و محتوا قابل مشاهده است. شاعران ایرانی بعد از آشنایی با ادبیات اروپایی به‌ویژه مکاتب رمانتیسم، سمبولیسم و مدرنیسم از قالب‌های سنتی شعر فارسی فاصله گرفتند و به سمت نوآوری در ساختار و بیان حرکت کردند. نیما یوشیج به‌عنوان پدر شعر نو فارسی با الهام از شیوه‌های غربی، تحولی بنیادین در شعر ایران ایجاد کرد و مفاهیمی چون فردیت، طبیعت‌گرایی و نگاه انتقادی به جامعه را وارد شعر فارسی نمود. این تأثیرات تنها به فرم محدود نشد، بلکه در محتوا نیز شاهد تغییراتی بودیم. شاعران معاصر با الهام از مضامین فلسفی، اجتماعی و سیاسی ادبیات غرب به مسائلی مانند انسان، آزادی، عدالت و هستی پرداختند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی تاثیر این تعامل فرهنگی در شعر معاصر ایران پرداخته و نتیجه گرفته است که این موضوع به‌عنوان پل ارتباطی بین سنت و مدرنیته عمل کرده و نقش مهمی در بازتاب تحولات فکری و اجتماعی جامعه ایفا نموده است. در نهایت، تأثیرپذیری از ادبیات غرب نه تنها به غنای شعر فارسی افزود، بلکه آن را به‌عنوان بخشی از جریان جهانی ادبیات مطرح کرد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۲/۱۷

واژه‌های کلیدی:

ترجمه

شعر معاصر

ادبیات غرب

تأثیرپذیری

ادبیات غرب

۱. مقدمه

ادبیات هر ملت در مسیر تکامل خود تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین آنها تعاملات فرهنگی و ادبی با سایر ملت‌ها است. شعر فارسی نیز همواره در طول تاریخ از منابع گوناگون تأثیر پذیرفته است. با ورود ایران به دوران مدرن و گسترش روابط با غرب، تأثیرپذیری شعر فارسی از ادبیات غرب به‌ویژه از قرن نوزدهم و بیستم به یکی از جریان‌های مهم تحول شعر معاصر تبدیل شد. (شفیعی‌کدکنی، ۲۰۱۴: ۱۰) تعاملات فرهنگی میان ایران و غرب در این دوره که از طریق ترجمه، آموزش‌های مدرن، سفر نویسندگان و شاعران به خارج از کشور و همچنین مطالعه مکاتب ادبی اروپا صورت گرفت، زمینه‌ساز تغییرات بنیادی در قالب، محتوا و سبک شعر فارسی شد. (ساروکلائی، ۲۰۱۰: ۱۴) این تغییرات نه‌تنها در نحوه بیان و استفاده از تصاویر و استعارات جدید تأثیرگذار بود، بلکه به شکل‌گیری سبک‌های نوین در شعر فارسی، نظیر شعر نیمایی و شعر سپید، انجامید. (زرین‌کوب، ۲۰۰۹: ۱۹)

یکی از اصلی‌ترین راه‌های انتقال تأثیرات ادبی غرب به ایران، ترجمه آثار ادبی بود. ترجمه‌های اولیه عمدتاً شامل آثار کلاسیک نویسندگان اروپایی از جمله شکسپیر، لافونتین و گوته بود که به‌مرور راه را برای آشنایی بیشتر شاعران ایرانی با جریان‌های نوین شعر غربی باز کرد. (فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۲۴) در این میان، ترجمه اشعار شاعران رمانتیک، نظیر لامارتین و ویکتور هوگو، تأثیر محسوس بر اشعار برخی از شاعران معاصر فارسی از جمله نیما یوشیج و مهدی اخوان ثالث گذاشت. (مهری، ۲۰۲۱: ۹)

رمانتیسم که بر احساسات فردی و طبیعت‌گرایی تأکید داشت، در آثار شاعران این دوره به‌خوبی نمایان شد، به‌طوری‌که بسیاری از اشعار نیما یوشیج، نخستین شاعر نوگرای فارسی، نشان‌دهنده استفاده از عناصر رمانتیک نظیر توصیف‌های عاطفی و مناظر طبیعی است. (شفیعی‌کدکنی، ۲۰۱۴: ۲۱)

علاوه بر رمانتیسم، مکاتب دیگری مانند سمبولیسم و سوررئالیسم نیز در تحول شعر فارسی نقش ایفا کردند. شاعران فرانسوی نظیر شارل بودلر و آرتور رمبو که از بنیان‌گذاران سمبولیسم محسوب می‌شوند، تأثیر عمده‌ای بر شاعرانی چون احمد شاملو و فروغ فرخزاد داشتند. سمبولیسم که بر کاربرد تصاویر مبهم و استعاری تأکید داشت، در اشعار معاصر فارسی به‌خصوص در سبک شعر سپید نمود پیدا کرد. (فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۲۷) برای مثال اشعار احمد شاملو سرشار از نمادها و استعاره‌هایی است که معانی چندلایه‌ای دارند و ارتباط مستقیمی با اشعار سمبلیک غربی دارند. (زرین‌کوب، ۲۰۰۹: ۱۱)

یکی دیگر از مکاتب تأثیرگذار بر شعر معاصر فارسی، سوررئالیسم بود که با تأکید بر ناخودآگاه، رؤیا و ترکیب عناصر غیرمنطقی، رویکرد تازه‌ای را به شعر فارسی ارائه داد (میرصادقی، ۲۰۱۷: ۱۱) این جریان که تحت تأثیر شاعران و نویسندگانی نظیر آندره برتون و پل الوار قرار داشت، در آثار برخی از شاعران ایرانی همچون سهراب سپهری و بیژن الهی به‌وضوح مشاهده می‌شود. استفاده از تصاویر غیرمعمول و ساختارشکنی در بیان مضامین شعری، از جمله ویژگی‌های برجسته این سبک در شعر فارسی معاصر است (مهری، ۲۰۲۱: ۲۹)

در کنار ترجمه و تأثیر مستقیم مکاتب ادبی غربی، گسترش ارتباطات فرهنگی و اجتماعی میان ایران و غرب نیز نقش مهمی در این روند داشت. سفر شاعران و نویسندگان ایرانی به کشورهای اروپایی، مطالعه آثار ادبی غربی به زبان اصلی و تحصیل برخی از آنها در دانشگاه‌های خارجی به درک عمیق‌تر از جریان‌های ادبی غرب کمک کرد. برای نمونه، نیما یوشیج با مطالعه اشعار شاعران اروپایی و تأمل در فرم و محتوای آنها، توانست تغییرات بنیادی در شعر فارسی ایجاد کند. (شفیعی کدکنی، ۲۰۱۴: ۱۷) همچنین فروغ فرخزاد که با مطالعه شعرهای غربی به بیان شخصی و احساسی خاصی در شعر خود دست یافت، از جمله شاعرانی بود که تحت تأثیر ادبیات غرب، به‌ویژه اشعار شاعران مدرن اروپایی قرار گرفت (مهری، ۲۰۲۱: ۲)

علاوه بر تغییر در سبک و محتوا، تأثیر ادبیات غرب بر شعر فارسی را می‌توان در تغییرات ساختاری نیز مشاهده کرد. شعر فارسی که قرن‌ها تحت سلطهٔ اوزان عروضی سنتی بود، با ورود قالب‌های آزاد و نو به سمت فرم‌های منعطف‌تر حرکت کرد. نیما یوشیج با الهام از وزن‌های آزاد شعر فرانسه، قالب‌های جدیدی را معرفی کرد که به‌عنوان شعر نو شناخته شدند. (زرین کوب، ۲۰۰۹: ۲۱) پس از او شاعرانی چون احمد شاملو و یدالله رؤیایی با تأثیر از شعر آزاد غربی به‌ویژه سبک والت ویتمن، سبک‌های تازه‌ای در شعر فارسی ایجاد کردند. (فیروزآبادی، ۲۰۰۹: ۲۱) اما این تعاملات و تأثیرپذیری‌ها تنها به جنبه‌های زبانی و سبک‌شناسی محدود نماند، بلکه در مضامین و نگرش‌های اجتماعی و فلسفی شعر فارسی نیز تأثیرگذار بود. برای مثال ادبیات اگزیستانسیالیستی که در قرن بیستم در اروپا رواج داشت، در اشعار برخی از شاعران ایرانی همچون مهدی اخوان ثالث و نادر نادرپور به چشم می‌خورد. این شاعران که با مطالعه آثار نویسندگانی همچون ژان پل سارتر و آلبر کامو تحت تأثیر فلسفه پوچی و تنهایی قرار گرفته بودند، این مفاهیم را در اشعار خود بازتاب دادند. (ساروکلائی، ۲۰۱۰: ۲۴)

با این حال تأثیرپذیری شعر فارسی از ادبیات غرب به‌طور یک‌طرفه و منفعلانه نبود، بلکه شاعران ایرانی توانستند این تأثیرات را با سنت‌های بومی و فرهنگی خود تلفیق کنند و به

سبک‌های منحصربه‌فردی دست یابند. نیما یوشیج، شاملو، اخوان ثالث و فروغ فرخزاد، هر یک به‌نوبه خود، عناصر و ساختارهای جدیدی را در شعر فارسی ایجاد کردند که نشان‌دهنده تعامل پویای فرهنگ ایرانی با ادبیات غربی است. (مهری، ۲۰۲۱: ۲۹)

در مجموع بررسی تأثیرپذیری شعر معاصر ایران از ادبیات غرب نشان می‌دهد که این تأثیرات هم در سطح زبانی و سبک‌شناسی و هم در حوزه‌های مفهومی و مضمونی وجود داشته است. ترجمه آثار ادبی غربی، مطالعه مکاتب ادبی اروپا و گسترش ارتباطات فرهنگی، مهم‌ترین عواملی بودند که باعث شدند شعر فارسی به سمت تحولات نوین حرکت کند. (زرین‌کوب، ۲۰۰۹: ۴)

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

شعر ایران و جهان همیشه و در همه احوال متأثر از/ بر هم بوده و اساس حرکت و حیات آن است. در ادب معاصر فروغ فرخزاد در زمینه‌های متعدد از جمله ادبیات طبیعت‌گرا مورد تأثیر بوده است. (امجدیان، ۱۴۰۱: ۸۶) در دهه هفتاد شاعران جوان با تأثیرپذیری از جریان‌های تازه در شعر آزاد، غزل‌هایی سرودند که بیشتر به فرم و ساختار می‌اندیشید. (رک حسن‌لی، صیدی، ۱۴۰۱: ۱۵۱) تأثیرپذیری سهراب سپهری از شخصیت‌ها و مکاتب عرفانی و مبانی مهم در عرفان (انصاری‌کیا، ۱۴۰۳: ۸۰) تأثیرپذیری غزلیات فارسی از بیدل دهلوی (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۷) تأثیرپذیری شهریار از حافظ (احسانی، ۱۴۰۳: ۵۱) تأثیرپذیری رئالیسم از ناتورالیسم و سمبولیسم (انصاری‌کیا، ۱۴۰۴: ۹۵) و... برکسی پوشیده نیست. در ادبیات غرب نیز خاستگاه تأثیرپذیری نویسندگان از اسطوره‌ها، ناشی از زمینه‌های ایدئولوژیک بود. (عباسی فریدنی، ۱۴۰۲: ۲۰۷) البته شگردهای بدخوانی خلاق به دنبال این است که متن جدید را از دلهره تأثیرپذیری متون ماقبل‌رهای بخشد.

شعر معاصر ایران، به‌ویژه از اواخر دوره قاجار و پس از انقلاب مشروطیت، تحت تأثیر ادبیات غرب دست‌خوش تحولات چشمگیری شد. این تأثیرپذیری در دو بعد فرم و محتوا قابل مشاهده است. شاعران ایرانی ضمن آشنایی با ادبیات اروپایی، به‌ویژه مکاتب رمانتیسم، سمبولیسم و مدرنیسم از قالب‌های سنتی شعر فارسی فاصله گرفتند و به سمت نوآوری در ساختار و بیان حرکت کردند. نیما یوشیج، به‌عنوان پدر شعر نو فارسی با الهام از شیوه‌های غربی، تحولی بنیادین در شعر ایران ایجاد کرد و مفاهیمی چون فردیت، طبیعت‌گرایی و نگاه انتقادی به جامعه را وارد شعر فارسی نمود. این تأثیرات تنها به فرم محدود نشد، بلکه در محتوا نیز شاهد تغییراتی بودیم. شاعران معاصر با الهام از مضامین فلسفی، اجتماعی و سیاسی ادبیات غرب، به مسائلی مانند انسان، آزادی، عدالت و هستی پرداختند. این تعامل فرهنگی

باعث شد شعر معاصر ایران به‌عنوان پل ارتباطی بین سنت و مدرنیته عمل کند و نقش مهمی در بازتاب تحولات فکری و اجتماعی جامعه ایفا نماید. در نهایت، تأثیرپذیری از ادبیات غرب نه تنها به غنای شعر فارسی افزود، بلکه آن را به‌عنوان بخشی از جریان جهانی ادبیات مطرح کرد. در این پژوهش به دنبال یافتن ابعاد تأثیرپذیری شعر معاصر ایران از ادبیات غرب هستیم و نیز به این سوالات پاسخ می‌دهیم که تاثیر کدام کماتب بیشتر بوده و شاعران ایرانی چطور تأثیرات غربی را با سنت‌های بومی خود تلفیق کرده‌اند.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

بررسی تأثیرپذیری شعر معاصر ایران از ادبیات غرب از آن جهت ضروری است که این تأثیرات نه تنها در ساختار و فرم شعر، بلکه در محتوا و مضامین آن نیز تغییرات عمیقی ایجاد کرده است. این تحولات به‌عنوان بخشی از جریان جهانی ادبیات، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت ادبی معاصر ایران ایفا کرده‌اند. هدف این پژوهش، تحلیل و بررسی تأثیرات ادبیات غرب بر شعر معاصر ایران و نشان دادن چگونگی تلفیق این تأثیرات با سنت‌های بومی است. این پژوهش همچنین به دنبال پاسخ به این سوال است که چگونه شعر معاصر ایران توانسته است به‌عنوان پلی بین سنت و مدرنیته عمل کند.

۱-۳. پیشینه پژوهش

موضوع تأثیرپذیری شعر معاصر ایران از ادبیات غرب، از جمله موضوعات مهم و مورد توجه پژوهشگران حوزه ادبیات تطبیقی و شعر معاصر فارسی بوده است. در این زمینه، تحقیقات و مطالعات متعددی انجام شده که هر یک از جنبه‌های مختلف به بررسی این تأثیرات پرداخته‌اند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این حوزه اشاره می‌شود. زرین کوب (۲۰۰۹) در از کوچه رندان به نقش ترجمه و آشنایی با ادبیات غرب در تحول شعر فارسی اشاره کرده است. او در این کتاب، تأثیر ترجمه آثار شاعران و نویسندگان غربی را بر شعر معاصر ایران تحلیل کرده و نشان داده است که چگونه ترجمه‌های اولیه از آثار کلاسیک اروپایی، زمینه را برای آشنایی شاعران ایرانی با جریان‌های نوین شعر غربی فراهم کرد. زرین کوب همچنین به نقش مکاتب ادبی غرب در شکل‌گیری سبک‌های نوین شعر فارسی، نظیر شعر نیمایی و شعر سپید، پرداخته است.

آرین پور (۱۳۸۷) در کتاب «از صبا تا نیما»، به بررسی تحولات ادبی ایران از دوره قاجار تا دوره معاصر پرداخته و نقش ادبیات غرب را در این تحولات تحلیل کرده است. او در این

کتاب، تأکید می‌کند که ترجمه آثار ادبی غرب، نه تنها به تحول در ساختار و محتوای ادبیات فارسی انجامید، بلکه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی عمیقی در جامعه ایرانی نیز منجر شد. آراین‌پور همچنین به نقش شاعران و نویسندگان پیشگامی چون نیما یوشیج، احمد شاملو و فروغ فرخزاد در تلفیق عناصر غربی با سنت‌های بومی اشاره کرده است.

فیروزآبادی (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «نیما یوشیج و رایینر ماریا ریلکه: نمونه‌ای از تأثیر ادبیات آلمان بر ادبیات معاصر ایران»، به بررسی تأثیر شاعران آلمانی بر نیما یوشیج پرداخته است. او در این مقاله، نشان می‌دهد که چگونه نیما یوشیج با مطالعه اشعار شاعران آلمانی، به ویژه رایینر ماریا ریلکه، توانست تحولی بنیادین در شعر فارسی ایجاد کند. فیروزآبادی همچنین به تأثیر رمانتیسم آلمانی بر اشعار نیما یوشیج اشاره کرده است.

ساروکلای (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «حکایت‌های لافونتن در شعر معاصر ایران»، به بررسی تأثیر مکاتب ادبی غرب بر شعر معاصر ایران پرداخته و نقش رمانتیسم، سمبولیسم و سوررئالیسم را در این تحولات تحلیل کرده است. او در این مقاله، تأکید می‌کند که شاعران ایرانی با الهام از این مکاتب، توانسته‌اند به نوآوری در ساختار و محتوای شعر فارسی دست یابند.

درانی (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «تصویر زن در شعر شاعران زن معاصر ایران»، به بررسی تأثیر ادبیات غرب بر شعر زنان معاصر ایران پرداخته است. او در این مقاله، نشان می‌دهد که چگونه شاعران زن ایرانی با الهام از ادبیات فمینیستی غرب، به بیان مسائل زنان در شعر خود پرداخته‌اند. درانی همچنین به تأثیر مکاتب ادبی غرب، نظیر آگزیستانسیالیسم و فمینیسم، بر اشعار فروغ فرخزاد و دیگر شاعران زن ایرانی اشاره کرده است.

شفیعی کدکنی (۲۰۱۴) در با چراغ و آینه، در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران، به بررسی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران و تأثیرات ادبیات غرب بر آن پرداخته است. او در این کتاب، نقش نیما یوشیج را به عنوان بنیان‌گذار شعر نو فارسی مورد تحلیل قرار داده و تأثیر مکاتب ادبی غرب همچون رمانتیسم، سمبولیسم و سوررئالیسم را بر شعر معاصر ایران بررسی کرده است. شفیعی کدکنی معتقد است که شعر معاصر ایران با حفظ هویت بومی خود، توانسته است از ادبیات غرب تأثیر پذیرفته و به سمت نوگرایی حرکت کند. میرعابدینی (۱۳۹۷) در صد سال داستان‌نویسی در ایران، به بررسی تأثیر ادبیات غرب بر داستان‌نویسی و شعر معاصر ایران پرداخته است. او در این کتاب، نقش ترجمه و آشنایی با ادبیات غرب را در شکل‌گیری ژانرهای جدید ادبی، نظیر رمان و داستان کوتاه، تحلیل کرده و

نشان داده است که چگونه شاعران و نویسندگان ایرانی با الهام از ادبیات غرب، به نوآوری در ساختار و محتوای آثار خود دست یافته‌اند.

مهری (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و مقایسه شیوه تاریخ ادبیات‌نگاری دو کتاب تاریخ و تحول ادبیات جدید ایران و پایه‌گذاران نثر جدید فارسی»، به بررسی تأثیر ادبیات غرب بر شعر و نثر معاصر ایران پرداخته است. او در این مقاله، نقش ترجمه و آشنایی با ادبیات غرب را در تحول ادبیات فارسی تحلیل کرده و نشان داده است که چگونه شاعران و نویسندگان ایرانی با الهام از ادبیات غرب، به نوآوری در ساختار و محتوای آثار خود دست یافته‌اند.

پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که تأثیرپذیری شعر معاصر ایران از ادبیات غرب، موضوعی است که از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش‌ها به نقش ترجمه، مکاتب ادبی غرب و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ناشی از این تعاملات پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه شعر معاصر ایران توانسته است با حفظ هویت بومی خود، از ادبیات غرب تأثیر پذیرفته و به سمت نوگرایی حرکت کند، اما پژوهش حاضر نگاه نو و متفاوتی نسبت به مطالعات پیشین داشته و نوآورانه است.

۲. تأثیرپذیری شعر معاصر ایران از ادبیات غرب

۲-۱. تحولات فرهنگی و اجتماعی در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی: نقش ترجمه

و ادبیات غرب

در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، ایران شاهد تحولات فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای بود که بخش عمده‌ای از آن تحت تأثیر آشنایی با ادبیات غرب و ترجمه‌های مرتبط با آن شکل گرفت. این دوره، نقطه عطفی در تاریخ ادبیات فارسی به‌شمار می‌آید که با ورود مفاهیم، سبک‌ها و قالب‌های جدید، تحولاتی بنیادین را تجربه کرد (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۱۳) زمانی که جامعه ایرانی در کشاکش سنت و تجدد قرار داشت، ترجمه آثار ادبی غرب، پنجره‌ای به دنیای نوین گشود و ایرانیان را با افکار، شیوه‌های زندگی و ساختارهای اجتماعی - سیاسی متفاوتی آشنا ساخت. (آجودانی، ۱۳۹۲)

۲-۲. زمینه‌های تاریخی آشنایی ایرانیان با ادبیات غرب

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ایران در معرض تغییرات جهانی و تأثیرات تمدن غرب قرار داشت. شکست‌های نظامی ایران از روسیه در عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳م) و ترکمانچای (۱۸۲۸م) آغازگر دوره‌ای از خودآگاهی و احساس عقب‌ماندگی در میان نخبگان

ایرانی بود (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۵) این رویدادها، زمینه‌ساز توجه به پیشرفت‌های غرب و تلاش برای اصلاحات شد.

۲-۳. عوامل مؤثر در آشنایی با غرب

عوامل متعددی در آشنایی ایرانیان با فرهنگ و ادبیات غرب نقش داشتند:

- **سفرهای خارجی:** سفر شاهزادگان قاجار مانند عباس میرزا و ناصرالدین شاه به اروپا، آنها را با جنبه‌های مختلف تمدن غربی آشنا ساخت. ناصرالدین شاه در سفرنامه‌های خود، مشاهدات خود از تئاترها، کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی اروپا را ثبت کرد. (ناطق، ۱۳۸۹: ۱۹)

- **اعزام دانشجویان به اروپا:** در دوره قاجار و به‌ویژه پس از تأسیس دارالفنون در ۱۸۵۱ میلادی، اعزام دانشجویان به اروپا آغاز شد. این دانشجویان پس از بازگشت به انتقال اندیشه‌ها و آثار غربی پرداختند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۹۱: ۳۱)

- **تأسیس مدارس جدید:** مدارس چون دارالفنون و مدرسه رشديه با معرفی علوم جدید، زمینه آشنایی با متون و منابع غربی را فراهم کردند. (قاسمی پویا، ۱۳۹۰: ۱۱)

- **گسترش صنعت چاپ:** ورود صنعت چاپ به ایران، امکان نشر و توزیع گسترده‌تر کتاب‌ها از جمله ترجمه‌ها را فراهم ساخت. اولین چاپخانه در تبریز در سال ۱۸۱۶ میلادی تأسیس شد و پس از آن چاپخانه‌های دیگری در تهران و شهرهای بزرگ راه‌اندازی شدند. (براون، ۱۳۸۸: ۱۳)

- **تماس‌های دیپلماتیک:** حضور سفرا و نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی در ایران و متقابلاً حضور دیپلمات‌های ایرانی در اروپا، به تبادل فرهنگی کمک شایانی کرد. (فراست‌خواه، ۱۳۹۴: ۱۵)

۲-۴. نقش ترجمه‌های ادبی در معرفی ادبیات غرب به ایران

ترجمه به ابزاری کلیدی برای انتقال اندیشه‌ها و هنر غربی به جامعه ایرانی تبدیل شد. آراین‌پور معتقد است که ترجمه در این دوره نه تنها یک فعالیت زبانی، بلکه یک جریان فکری-فرهنگی بود که به تغییر ذائقه ادبی و تحول در ساختارهای فکری جامعه انجامید. (آراین‌پور، ۱۳۸۷: ۴۵)

روند تاریخی ترجمه آثار غربی

ترجمه آثار غربی در ایران روندی تدریجی داشت که با ترجمه متون علمی و فنی آغاز شد و سپس به حوزه ادبیات گسترش یافت:

۱. **مرحله اول (۱۸۸۰-۱۸۳۰م):** در این دوره، عمدتاً کتب علمی، پزشکی و نظامی برای استفاده در دارالفنون ترجمه می‌شدند. محمدحسن افشار این دوره را دوره ترجمه‌های کاربردی می‌نامد. (افشار، ۱۳۹۲: ۱۸)
۲. **مرحله دوم (۱۹۰۶-۱۸۸۰م):** با گسترش چاپخانه‌ها و روزنامه‌ها، ترجمه متون ادبی، تاریخی و فلسفی رواج یافت. در این دوره، داستان‌های تاریخی و رمان‌های ماجراجویانه مورد توجه بودند. ترجمه رمان‌های الکساندر دوما و ژول ورن از این دوره است. (کامشاد، ۱۳۸۶: ۱۴)
۳. **مرحله سوم (۱۹۲۵-۱۹۰۶م):** با وقوع انقلاب مشروطه، ترجمه متون سیاسی، اجتماعی و انتقادی افزایش یافت. آثار نویسندگانی چون ولتر، مونتسکیو و روسو به فارسی ترجمه شدند. ترجمه روح القوانین مونتسکیو توسط علی‌اکبر دهخدا از آثار مهم این دوره است. (آدمیت، ۱۳۹۳: ۱۳)
۴. **مرحله چهارم (۱۹۴۱-۱۹۲۵م):** در دوره رضاشاه، ترجمه‌ها از تنوع بیشتری برخوردار شدند و آثار کلاسیک و مدرن ادبیات جهان به فارسی برگردانده شدند. رمان‌های رئالیستی و ناتورالیستی نویسندگانی چون امیل زولا، بالزاک و داستایوفسکی در این دوره ترجمه شدند. (میرعابدینی، ۱۳۹۷: ۱۵)

مراکز ترجمه و نشر آثار غربی

- با گسترش نیاز به ترجمه، مراکز و مؤسساتی برای این منظور تأسیس شدند:
۱. **دارالترجمه ناصری:** در دوره ناصرالدین شاه تأسیس شد و وظیفه ترجمه اسناد رسمی و کتب علمی را بر عهده داشت. (محبوبی اردکانی، ۱۳۹۱: ۱۳)
 ۲. **بنگاه ترجمه و نشر کتاب:** در دوره پهلوی اول تأسیس شد و نقش مهمی در ترجمه آثار کلاسیک ادبیات جهان ایفا کرد. (همایون کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۱)
 ۳. **روزنامه‌ها و مجلات:** نشریاتی چون کاوه، ایرانشهر و آینده به معرفی آثار ادبی غربی و چاپ ترجمه‌های آنها می‌پرداختند. مجله کاوه به سردبیری محمد قزوینی و حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، نقش مهمی در معرفی آثار مدرن اروپایی داشت. (آژند، ۱۳۸۸: ۳۱)

۲-۵. پیشگامان ترجمه ادبیات غرب

میرزا حبیب اصفهانی (۱۸۹۳-۱۸۳۵م)

میرزا حبیب اصفهانی از پیشگامان ترجمه ادبی در ایران به شمار می‌رود. او پس از مهاجرت به استانبول با ادبیات اروپایی آشنا شد و به ترجمه آثار مهمی پرداخت. (کاظم‌پور، ۲۰۲۲) مهم‌ترین ترجمه‌های او عبارتند از:

۱. سرگذشت حاجی بابای اصفهانی: ترجمهٔ رمان جیمز موریه (James Morier) که در ۱۹۰۵ میلادی منتشر شد. این اثر، اولین رمان مدرن به زبان فارسی محسوب می‌شود و تصویری انتقادی از جامعه ایران عصر قاجار ارائه می‌دهد. کامشاد (۱۳۸۶) معتقد است که ترجمهٔ میرزا حبیب از این رمان، چنان استادانه بود که برخی آن را نه ترجمه، بلکه تألیف می‌پنداشتند. (کامشاد، ۱۳۸۶: ۱۲)

۲. میزانتروپ (آدمی‌گریز): ترجمهٔ نمایشنامه‌ای از مولیر که به معرفی تئاتر کلاسیک فرانسه به ایرانیان کمک کرد. این اثر در ۱۸۸۶ میلادی به فارسی ترجمه شد. (کاظم‌پور، ۲۰۲۲: ۱۰)

۳. سرگذشت ژیل بلاس: ترجمهٔ رمان آلن رنه لوساژ (Alain-René Lesage) که نمونه‌ای از رمان‌های پیکارسک (داستان‌های راهزنانه) بود و با استقبال خوانندگان مواجه شد. (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱)

میرزا حبیب در ترجمه‌هایش، زبانی روان و نزدیک به زبان محاوره به کار می‌برد و توانست الگویی برای مترجمان بعدی ایجاد کند. آژند (۱۳۸۸) او را نخستین مترجم خلاق ادبیات فارسی می‌نامد. (آژند، ۱۳۸۸: ۱۹)

محمدعلی جمالزاده (۱۹۹۷-۱۸۹۲م)

جمالزاده هرچند بیشتر به عنوان نویسنده شناخته می‌شود، اما در معرفی ادبیات غرب از طریق ترجمه نیز نقش مهمی داشت. او که در اروپا تحصیل کرده بود با زبان‌های فرانسه و آلمانی آشنایی داشت و از این طریق با ادبیات مدرن غرب آشنا شد (میرعبدینی، ۱۳۹۷: ۲۱) فعالیت‌های او در زمینه ترجمه و معرفی ادبیات غرب شامل:

۱. انتشار مجموعهٔ یکی بود یکی نبود (۱۹۲۱م): اگرچه این مجموعه تألیف بود نه ترجمه، اما شدیداً تحت تأثیر سبک داستان‌نویسی غربی قرار داشت و اولین مجموعه داستان کوتاه مدرن در ادبیات فارسی محسوب می‌شود. جمالزاده در مقدمه این کتاب، با عنوان فارسی شکر است، به ضرورت تحول در ادبیات فارسی و الهام از ادبیات غرب اشاره کرد. (جمالزاده، ۱۳۹۴: ۱۰)

۲. ترجمه آثار نویسندگان آلمانی: جمالزاده آثاری از شیلر، گوته و دیگر نویسندگان آلمانی‌زبان را به فارسی ترجمه کرد و به معرفی ادبیات آلمان به ایرانیان پرداخت. (کامشاد، ۱۳۸۶: ۱۴)

۳. مقالات انتقادی: او در مجلهٔ کاوه مقالاتی در معرفی جریان‌های ادبی غرب و نقد ادبی منتشر کرد که به آشنایی خوانندگان ایرانی با مکاتب ادبی اروپا کمک کرد (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲) جمالزاده با استفاده از زبان ساده و محاوره‌ای و پرداختن به مسائل اجتماعی، راه را برای

نثر مدرن فارسی هموار کرد. او را پدر داستان‌نویسی نوین فارسی نامیده‌اند. (یارشاطر، ۱۳۹۵: ۱۵)

سایر پیشگامان ترجمه و معرفی ادبیات غرب

میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۸۷۸-۱۸۱۲م)

آخوندزاده با نگارش و ترجمه نمایشنامه‌هایش، به معرفی تئاتر غربی به ایرانیان کمک کرد. او که با ادبیات روسی آشنایی داشت، شش نمایشنامه به سبک مولیر نوشت که نخستین نمایشنامه‌های مدرن به زبان فارسی محسوب می‌شوند. (آدمیت، ۱۳۹۳: ۲۵)

میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک (۱۹۳۸-۱۸۷۴م)

پدر پروین اعتصامی از مترجمان برجسته این دوره بود که آثار متعددی از ویکتور هوگو، لامارتین و آلفونس دوده را به فارسی ترجمه کرد. او همچنین با انتشار مجله بهار، به معرفی ادبیات غرب پرداخت. (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۲۳)

عبداللطیف طسوجی (متوفی ۱۸۳۷م)

ترجمه هزار و یک شب توسط طسوجی، هرچند از عربی به فارسی بود، اما الگویی برای نثر داستانی جدید فارسی ایجاد کرد. این ترجمه به دلیل زبان روان و شیوا، تأثیر زیادی بر نثر داستانی فارسی داشت. (مینوی، ۱۳۸۸: ۱۹)

۲-۶. تأثیرات و پیامدهای ترجمه ادبیات غرب بر جامعه ایرانی

تحول در ساختار و محتوای ادبیات فارسی

ورود ژانرها و قالب‌های جدید ادبی از طریق ترجمه، ساختار ادبیات فارسی را دگرگون کرد:

۱. ظهور داستان کوتاه و رمان: پیش از آشنایی با ادبیات غرب، داستان‌نویسی در ایران محدود به قالب‌های سنتی مانند حکایت و قصه بود. ترجمه رمان‌های غربی، الگوهای جدیدی برای داستان‌نویسی به ادبیات فارسی معرفی کرد. (میرعابدینی، ۱۳۹۷: ۳۱)

۲. گسترش نمایشنامه‌نویسی: آشنایی با نمایشنامه‌های اروپایی، به رواج تئاتر و نمایشنامه‌نویسی در ایران انجامید. حسن جوادیمی نویسد: نمایشنامه‌نویسی مدرن در ایران، مدیون ترجمه آثار مولیر، شکسپیر و چخوف است. (جوادی، ۱۳۹۳: ۱۴)

۳. تحول در شعر: شعر نو فارسی نیز از ترجمه اشعار غربی تأثیر پذیرفت. نیما یوشیج با آشنایی با شعر فرانسه، به تحول در ساختار شعر فارسی پرداخت. شفیعی کدکنی معتقد است

که ترجمه اشعار غربی در شکل‌گیری جریان نوگرایی در شعر فارسی نقش اساسی داشت. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۴)

۴. ورود نقد ادبی مدرن: با ترجمه آثار انتقادی غرب، نقد ادبی نیز در ایران رشد کرد. مقالات انتقادی در مجلاتی چون سخن و یغما، به معرفی مکاتب نقد ادبی غرب می‌پرداختند. (آژند، ۱۳۸۸: ۱۸)

تحولات زبانی و ساده‌نویسی

ترجمه آثار غربی به تحول در زبان فارسی و ساده‌شدن نثر کمک کرد:

۱. ساده‌نویسی: مترجمان برای انتقال مفاهیم جدید، ناچار به ساده‌سازی زبان بودند. این امر به کاهش تکلف در نثر فارسی انجامید. (خانلری، ۱۳۹۰: ۱۳)

۲. واژه‌سازی: ورود مفاهیم جدید، نیاز به واژه‌سازی را افزایش داد. مترجمان با معادل‌سازی برای واژگان غربی به غنای زبان فارسی کمک کردند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز در دوره رضاشاه پهلوی، نقش مهمی در این زمینه ایفا کرد. (معین، ۱۳۸۹: ۳۳)

۳. گسترش زبان محاوره در ادبیات: ترجمه رمان‌ها و نمایشنامه‌ها به ورود زبان محاوره به متون ادبی کمک کرد. جمالزاده در مقدمه یکی بود یکی نبود به ضرورت استفاده از زبان مردم در ادبیات تأکید کرد. (جمالزاده، ۱۳۹۴: ۴۱)

تأثیرات اجتماعی و فرهنگی

ترجمه آثار غربی، فراتر از حوزه ادبیات، بر فرهنگ و جامعه ایرانی تأثیر گذاشت:

۱. آشنایی با مفاهیم مدرن: مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، حقوق شهروندی و ناسیونالیسم از طریق ترجمه آثار غربی به ایران راه یافتند. آدمیت می‌نویسد: ترجمه آثار منتسکیو، روسو و ولتر، در شکل‌گیری اندیشه‌های مشروطه‌خواهی نقش بسزایی داشت. (آدمیت، ۱۳۹۳، ۱۸).

۲. تغییر نگرش به زن: ترجمه رمان‌هایی با شخصیت‌های زن قوی، به تغییر نگرش جامعه به زنان کمک کرد. حضور شخصیت‌های زن مستقل در ادبیات ترجمه شده به گسترش اندیشه برابری جنسیتی کمک کرد. (درانی، ۲۰۱۱: ۲۱)

۳. انتقاد اجتماعی: ترجمه آثار انتقادی غرب، به رشد انتقاد اجتماعی در ایران کمک کرد. رمان‌های اجتماعی ترجمه‌شده، الگویی برای نویسندگان ایرانی شدند تا به نقد جامعه خود بپردازند. (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۸۱)

تأثیر مکاتب ادبی غربی بر شعر معاصر ایران

ورود مدرنیته به ایران و آشنایی ایرانیان با ادبیات غرب، تحولی عمیق در ساختار، محتوا و مفاهیم شعر فارسی پدید آورد. این تغییر پارادایم که از دوره مشروطه آغاز شد، به تدریج زمینه را برای ظهور شعر نو فارسی فراهم ساخت. (همو، ۱۳۸۲: ۱۱) شاعران ایرانی با مطالعه و تأثیرپذیری از مکاتب ادبی غرب همچون رمانتیسم، سمبولیسم، رئالیسم و سوررئالیسم، ضمن حفظ هویت فرهنگی خود، توانستند افق‌های تازه‌ای را در شعر فارسی بگشایند. این مقاله می‌کوشد تا تأثیر این مکاتب و جریان‌های ادبی غربی را بر تحول شعر معاصر ایران مورد بررسی قرار دهد.

۲-۷. رمانتیسم و تأثیر آن بر شعر معاصر ایران

نمودهای احساس‌گرایی و طبیعت‌گرایی در آثار شاعران معاصر

رمانتیسم به عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب ادبی غرب در قرن نوزدهم، تأثیر عمیقی بر شعر معاصر ایران گذاشت. ویژگی‌های اصلی رمانتیسم شامل توجه به احساسات فردی، طبیعت‌گرایی، خیال‌پردازی، نوستالژی و گرایش به آزادی فردی است که به وضوح در شعر معاصر فارسی قابل مشاهده می‌باشد. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۳۱)

نیما یوشیج، پدر شعر نو فارسی، در اشعار خود عناصر طبیعت را به گونه‌ای نمادین و احساسی به کار می‌گیرد که یادآور طبیعت‌گرایی رمانتیک‌هاست. او در اشعاری چون «ققنوس»، «مرغ آمین» و «خانه سریویلی» فضایی رمانتیک خلق می‌کند که در آن طبیعت و احساسات فردی درهم می‌آمیزند. حمیدی شیرازی نیز در مجموعه «اشک معشوق» نگرشی رمانتیک به عشق و طبیعت دارد. (پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۱۰)

توجه به فردیت و بیان احساسات شخصی که از ویژگی‌های بارز رمانتیسم است، در شعر فروغ فرخزاد به اوج خود می‌رسد. فروغ در مجموعه‌هایی چون «اسیر»، «دیوار» و به ویژه «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، احساسات درونی خود را با صراحتی بی‌سابقه در شعر فارسی بیان می‌کند. نگاه او به زندگی، عشق و آزادی فردی، بازتابی از اندیشه‌های رمانتیک است که در قالب شعر نو فارسی ظهور یافته است. (مختاری، ۱۳۸۷، ۱۲۸-۱۴۵)

شفیعی کدکنی معتقد است که رمانتیسم ایرانی با رمانتیسم غربی تفاوت‌هایی دارد؛ چرا که شاعران ایرانی رمانتیسم را در بستر فرهنگ و ادبیات کهن ایرانی پذیرفته و آن را با عناصر بومی خود درآمیخته‌اند. او می‌نویسد: «رمانتیسم در ایران، نوعی نگرش التقاطی است که

عناصری از سنت شعری ایران و عناصری از رمانتیسم غربی را در خود جای داده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ۸۷)

۲-۸. سمبولیسم و تأثیر آن بر شعر معاصر ایران

استفاده از نمادها و تصاویر پیچیده در شعر نو فارسی

سمبولیسم به عنوان مکتبی که در واکنش به رئالیسم و ناتورالیسم در اواخر قرن نوزدهم در فرانسه شکل گرفت، تأکید خاصی بر استفاده از نمادها، ابهام هنری و تصاویر پیچیده داشت. این مکتب تأثیر شگرفی بر تحول شعر معاصر ایران گذاشت. (زرین کوب، ۱۳۸۵، ۱۵۴-۱۷۲)

مهدی اخوان ثالث در مجموعه‌هایی چون «زمستان» و «آخر شاهنامه» از نمادهای متعددی برای بیان مفاهیم اجتماعی و سیاسی بهره می‌گیرد. نمادهایی چون «زمستان»، «چاووش»، «کتیبه» و «میراث» در شعر او معانی عمیق و چندلایه‌ای دارند که تأثیر سمبولیسم غربی را نشان می‌دهد. (حسین‌پور چافی، ۱۳۸۴: ۳۷)

احمد شاملو نیز با تأثیرپذیری از شاعران سمبولیست فرانسوی، به ویژه آرتور رمبو و سن ژون پرس، زبان نمادین پیچیده‌ای را در اشعار خود به کار می‌گیرد. نمادهایی چون «شب»، «سپیده‌دم»، «پنجره» و «آینه» در شعر شاملو، لایه‌های معنایی متعددی دارند که فهم آن‌ها نیازمند آشنایی با دنیای ذهنی شاعر است. (پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۲۲۱-۲۳۸)

سهراب سپهری در «هشت کتاب» خود، به ویژه در «حجم سبز» و «صدای پای آب»، جهان نمادین ویژه‌ای خلق می‌کند که در آن عناصر طبیعت و مفاهیم عرفانی به نمادهایی برای بیان تجربه‌های شهودی تبدیل می‌شوند. استفاده سپهری از نمادهایی چون «آب»، «نیلوفر»، «باغ» و «پرنده» یادآور شیوه سمبولیست‌هاست، اما او این نمادها را با عرفان شرقی و اندیشه‌های بودایی درمی‌آمیزد. (شایگان، ۱۳۹۲: ۱۱۲-۱۳۸)

داریوش شایگان در کتاب «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی» اشاره می‌کند که سمبولیسم ایرانی، برخلاف نمونه غربی آن، ریشه در سنت عرفانی و فرهنگ کهن ایرانی دارد: «سمبولیسم در ایران با نگرش عرفانی و استعاره ادبیات کلاسیک فارسی پیوند خورده و ترکیب بدیعی ایجاد کرده است که تفاوت اساسی با سمبولیسم فرانسوی دارد.» (همان: ۱۲۷)

۲-۹. سوررئالیسم و تأثیر آن بر شعر معاصر ایران

تأثیر تخیل و ناخودآگاه در ساختار و محتوای اشعار

سوررئالیسم به عنوان جنبشی که در دهه ۱۹۲۰ در فرانسه شکل گرفت، به دنبال آزادسازی ذهن از قید منطق و عقل متعارف بود و بر نقش ناخودآگاه، رؤیا و تصاویر غیرعقلانی تأکید

داشت. این مکتب تأثیر عمیقی بر برخی از شاعران معاصر ایران گذاشت. (رویین، ۱۳۸۰: ۸۹-۱۰۷)

احمد شاملو در برخی از اشعار خود، به ویژه در مجموعه «هوای تازه» و «باغ آینه»، از تصاویر سوررئالیستی بهره می‌گیرد. تصاویر غیرمنتظره، ترکیب‌های زبانی بدیع و فروپاشی منطق روایی در برخی از اشعار او، یادآور تکنیک‌های سوررئالیستی است. (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۸۷-۲۰۳)

یداله رؤیایی در مجموعه «دریایی‌ها» و «از سکوی سرخ» تجربه‌های سوررئالیستی جسورانه‌ای را در شعر فارسی به نمایش می‌گذارد. ذهنیت سیال، تصاویر خواب‌گون و زبان رمزآلود او تأثیر مستقیم سوررئالیسم فرانسوی را نشان می‌دهد. (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۵۵)

بهرام صادقی گرچه بیشتر به عنوان داستان‌نویس شناخته می‌شود، اما در نثرهای شاعرانه خود، به ویژه در «ملکوت»، عناصر سوررئالیستی را به کار می‌گیرد که تأثیر عمیقی بر شاعران پس از خود گذاشته است. (میرعابدینی، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۹۸)

رضا براهنی در کتاب «طلا در مس» سوررئالیسم ایرانی را این‌گونه توصیف می‌کند: «سوررئالیسم در ایران، مانند همتای غربی خود، به دنبال درهم شکستن ساختارهای منطقی زبان و اندیشه است، اما این شکستن با نوعی نوستالژی فرهنگی و بازگشت به اسطوره‌های کهن ایرانی همراه است که به آن حال و هوایی متفاوت می‌بخشد.» (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۹۲)

۲-۱۰. نقش ترجمه در انتقال مفاهیم و سبک‌های غربی

ترجمه آثار شاعران غربی و نقش مترجمان در آشنایی شاعران ایرانی با سبک‌ها و مفاهیم جدید

ترجمه آثار ادبی غرب به فارسی، نقش بی‌بدیلی در انتقال مفاهیم و سبک‌های نوین به ادبیات ایران داشته است. مترجمان با برگرداندن آثار شاعران بزرگ غربی، زمینه را برای آشنایی شاعران ایرانی با جریان‌های ادبی معاصر جهان فراهم ساختند. (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۸۷-۱۱۲)

احمد شاملو با ترجمه آثار شاعرانی چون لورکا، پابلو نرودا و لانگستون هیوز، تأثیر مهمی بر معرفی سبک‌های نوین شعری به ایران گذاشت. ترجمه‌های او از اشعار این شاعران، نه تنها بر کار خود او، بلکه بر نسل‌های بعدی شاعران ایرانی نیز تأثیر گذاشت. (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۴۹)

پرویز ناتل خانلری با ترجمه اشعار شاعران اروپایی و نوشتن مقالات تحلیلی درباره سبک‌های شعری غرب، در معرفی مکاتب نوین ادبی به ایرانیان نقش مهمی ایفا کرد. مجله

«سخن» به سردبیری او، یکی از مهم‌ترین رسانه‌های معرفی ادبیات غرب به ایرانیان بود (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷-۱۸۳)

نجف دریابندری با ترجمه آثار فلسفی و ادبی غرب، به ویژه آثار اگزیستانسیالیستی، تأثیر عمیقی بر اندیشه و زبان شاعران معاصر ایران گذاشت. ترجمه او از «چنین گفت زرتشت» نیچه، بر نگرش فلسفی بسیاری از شاعران و نویسندگان ایرانی تأثیر گذاشت (میرعابدینی، ۱۳۸۷: ۲۵۶-۲۷۴)

محمد رضا شفیعی کدکنی در «ادوار شعر فارسی» به نقش مترجمان در انتقال مفاهیم ادبی غرب به ایران اشاره می‌کند: «مترجمان ادبیات غرب، در واقع پل ارتباطی میان فرهنگ ایرانی و جریان‌های ادبی جهان بودند. آن‌ها نه تنها متون ادبی را ترجمه می‌کردند، بلکه نوعی تفسیر فرهنگی نیز ارائه می‌دادند که به فهم بهتر این متون در بستر فرهنگ ایرانی کمک می‌کرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۰۴)

تأثیر ترجمه بر زبان و بیان شعری و ورود واژگان و تعبیر نو به زبان شعر فارسی

ترجمه آثار ادبی غرب به فارسی، علاوه بر انتقال مفاهیم و سبک‌های نوین، بر زبان و بیان شعری فارسی نیز تأثیر عمیقی گذاشت. این تأثیر را می‌توان در ورود واژگان، اصطلاحات و ساختارهای نحوی جدید به شعر فارسی مشاهده کرد. (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۷۲)

نیما یوشیج با آشنایی با ادبیات غرب از طریق ترجمه‌ها، ساختار نحوی شعر فارسی را دگرگون ساخت. او برخی از ویژگی‌های نحوی زبان‌های اروپایی را در شعر فارسی به کار گرفت که پیش از آن در شعر کلاسیک فارسی سابقه نداشت. جابجایی ارکان جمله، استفاده از جملات معترضه طولانی و شکستن وزن و قافیه، از جمله نوآوری‌های او بود که متأثر از شعر غرب بود. (پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۹۲)

احمد شاملو تحت تأثیر ترجمه‌هایش از شعر غرب، زبان شعری نوینی را ابداع کرد که در آن واژگان کهن فارسی با ساختارهای نحوی مدرن ترکیب می‌شدند. این زبان که به «زبان شاملویی» شهرت یافت، تأثیر عمیقی بر نسل‌های بعدی شاعران گذاشت. (حقوقی، ۱۳۷۹: ۱۹۸-۲۱۵)

داریوش آشوری در کتاب «شعر و اندیشه» اشاره می‌کند که ترجمه‌های ادبی، مفاهیم جدیدی را وارد زبان فارسی کردند که پیش از آن معادلی در فارسی نداشتند: «مفاهیمی چون اگزیستانسیالیسم، آلیاناسیون، آبسورد و سوررئال، از طریق ترجمه‌ها وارد زبان و اندیشه ایرانی شدند و به تدریج در شعر و ادبیات معاصر ایران جایگاه خود را یافتند» (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۶۷)

۲-۱۱. بررسی موردی تأثیرپذیری شاعران معاصر

احمد شاملو: تلفیق شعر کلاسیک با شعر مدرن و تأثیرپذیری از ادبیات غرب
 احمد شاملو (۲۰۰۰-۱۹۲۵) یکی از تأثیرگذارترین شاعران معاصر ایران است که توانست میان شعر کلاسیک فارسی و جریان‌های ادبی مدرن غرب پیوندی عمیق برقرار کند. شاملو با آشنایی گسترده با ادبیات جهان از مکاتب مختلف ادبی غرب تأثیر پذیرفت. (حقوقی، ۱۳۷۹: ۱۷۸-۱۹۶)

تأثیرپذیری شاملو از سمبولیسم فرانسوی، به ویژه شاعرانی چون آرتور رمبو و سنژون پرس در استفاده او از نمادهای پیچیده و چندلایه آشکار است. زبان نمادین شاملو در مجموعه‌هایی چون «باغ آینه» و «آیدا در آینه»، یادآور شیوه سمبولیست‌هاست، اما او این زبان را با عناصر اساطیری و فرهنگی ایران درمی‌آمیزد. (پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۲۱۲-۲۲۸)

شاملو همچنین از شاعران متعهد آمریکای لاتین، به ویژه پابلو نرودا و لورکا، تأثیر پذیرفت. مفهوم شعر متعهد و اجتماعی در کار شاملو، به ویژه در مجموعه‌هایی چون «هوای تازه» و «دشنه در دیس»، متأثر از این شاعران است. (آتشی، ۱۳۸۵: ۱۲۳-۱۴۵)

رضا براهنی در «طلا در مس» شاملو را شاعری می‌داند که توانسته است میان سنت ادبی ایران و مدرنیسم غربی آشتی برقرار کند: «شاملو با تکیه بر میراث زبانی و فرهنگی ایران، و همزمان با آگاهی عمیق از تحولات ادبیات جهان، زبان شعری نوینی را بنیان نهاد که هم ریشه در گذشته دارد و هم رو به آینده.» (براهنی، ۱۳۸۰: ۲۱۳)

نیما یوشیج: نقش او در تحول شعر فارسی و تأثیرپذیری از مکاتب غربی

نیما یوشیج (۱۹۶۰-۱۸۹۷) بنیان‌گذار شعر نو فارسی، با مطالعه و آشنایی با ادبیات غرب، تحولی بنیادین در شعر فارسی ایجاد کرد. او با شکستن قالب‌های کهن و ایجاد فرم و محتوای جدید، راه را برای نسل‌های بعدی شاعران ایرانی هموار ساخت. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۹-۱۲۴)

تأثیرپذیری نیما از رمانتیسم فرانسوی، به ویژه شاعرانی چون لامارتین و ویکتور هوگو، در توجه او به طبیعت و بیان احساسات فردی آشکار است. اشعاری چون «افسانه»، «قصه رنگ پریده» و «مرغ آمین» نشان‌دهنده این تأثیرپذیری است. (پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۷۶-۹۸)

نیما از سمبولیسم فرانسوی نیز تأثیر پذیرفت و عناصر نمادین فراوانی را در اشعار خود به کار برد. استفاده او از نمادهایی چون «شب»، «مرغ»، «دریا» و «کوهستان» یادآور شیوه سمبولیست‌هاست، اما او این نمادها را در بستر فرهنگ بومی ایران به کار می‌گیرد. (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۵۴)

مهدی اخوان ثالث در مقاله «نیما و شعر اروپایی» اشاره می‌کند که تفاوت اصلی نیما با شاعران غربی در این است که نیما هرگز تقلید صرف نکرد، بلکه با هضم عناصر شعر غربی در سنت ادبی ایران، فرم و محتوای نوینی را ابداع کرد: «نیما غرب را نه برای تقلید، بلکه برای شناخت بهتر ظرفیت‌های زبان فارسی مطالعه می‌کرد. او می‌خواست بداند چگونه می‌توان زبان فارسی را با حفظ اصالت آن، به سوی بیان مدرن هدایت کرد.» (اخوان ثالث، ۱۳۷۵: ۱۱۶)

فروغ فرخزاد: بازتاب مفاهیم مدرن و انسان‌گرایانه در اشعار وی

فروغ فرخزاد (۱۹۶۷-۱۹۳۵) یکی از درخشان‌ترین صداهای شعر معاصر ایران است که با وجود عمر کوتاه، تأثیری ژرف بر شعر فارسی گذاشت. او با آشنایی با ادبیات غرب و مکاتب ادبی مدرن، مفاهیم نوینی را وارد شعر فارسی کرد. (مختاری، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۱۳۴)

تأثیرپذیری فروغ از اگزیستانسیالیسم، به ویژه اندیشه‌های سارتر و سیمون دوبوواری در اشعار متأخر او آشکار است. مفاهیمی چون آزادی فردی، مسئولیت انتخاب و تنهایی انسان مدرن در مجموعه‌های «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» به خوبی نمایان است. (حقوقی، ۱۳۷۹: ۱۵۴-۱۷۰)

فروغ از فمینیسم مدرن نیز تأثیر پذیرفت و مسائل زنان را با صراحتی بی‌سابقه در شعر فارسی مطرح کرد. او در اشعار خود، به نقد نگاه سنتی به زن در جامعه ایرانی می‌پردازد و خواهان برابری و آزادی زنان است. (آتشی، ۱۳۸۵: ۱۵۶-۱۷۲)

محمد حقوقی در کتاب «شعر زمان ما: فروغ فرخزاد» اشاره می‌کند که فروغ توانست میان تجربه شخصی خود و مفاهیم مدرن غربی پیوندی عمیق برقرار کند: «فروغ مفاهیم مدرن غربی را از دریچه تجربه زیسته خود می‌دید و آن‌ها را با زبانی شخصی و درونی بیان می‌کرد. شعر او پیوندی است میان خصوصی‌ترین لحظات یک زن ایرانی و جهانی‌ترین دغدغه‌های انسان مدرن.» (حقوقی، ۱۳۷۹: ۱۶۹)

۲-۱۲. تأثیر ادبیات متعهد غرب بر شعر مشروطیت و پس از آن

نقش ادبیات متعهد اروپایی در شکل‌گیری مفاهیم آزادی‌خواهانه و اجتماعی در شعر فارسی ادبیات متعهد اروپایی، به ویژه آثار نویسندگان و شاعران انقلابی و آزادی‌خواه، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری مفاهیم آزادی‌خواهانه و اجتماعی در شعر دوره مشروطیت و پس از آن گذاشت. (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۴۵)

۳. نتیجه گیری

ترجمه ادبیات غرب در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، نقطه عطفی در تاریخ فرهنگی ایران به شمار می‌آید. این جریان، نه تنها باعث تحول در ساختار و محتوای ادبیات فارسی شد، بلکه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی عمیقی در جامعه ایرانی انجامید. مترجمان پیشگامی چون میرزا حبیب اصفهانی و محمدعلی جمالزاده، با معرفی قالب‌ها و مفاهیم جدید، راه را برای نوگرایی در فرهنگ و ادبیات ایران هموار کردند.

امروزه، میراث آن دوره ترجمه، همچنان در ادبیات و فرهنگ ایران پابرجاست. همانطور که کامشاد (۱۳۸۶) اشاره می‌کند: "آنچه امروز به عنوان ادبیات معاصر ایران می‌شناسیم، ریشه در آن جریان ترجمه دارد که در اواخر قاجار و اوایل پهلوی شکل گرفت. (کامشاد، ۱۳۸۶: ۲۷۸) درک صحیح این جریان تاریخی، کلید فهم تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران معاصر است.

کتاب‌شناسی

- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۹۲)، *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- احسانی، نازنین (۱۴۰۳)، «بررسی میزان تاثیرپذیری شهریار از اشعار ایرج میرزا بر اساس نظریه بینامتنیت ژولیا کریستوا»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۳، شماره ۶، صص ۴۸-۶۵
- احمدی‌راد، سارا (۱۴۰۱)، «عناصر داستانی در روایت انکار کردن موسی (ع) بر مناجات شبان بر اساس نظریه بدخوانی خلاق هرولد بلوم»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره اول، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۳
- آدمیت، فریدون (۱۳۹۳)، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، تهران: خوارزمی.
- آرین پور، یحیی (۱۳۸۷)، *از صبا تا نیما*، تهران: زوار.
- آزند، یعقوب (۱۳۸۸)، *ادبیات نوین ایران*، تهران: امیرکبیر.
- آذرنگ، عبدالحسین، (۱۳۹۲)، *تاریخ ترجمه در ایران*، تهران: ققنوس.
- امجدیان، هنگامه (۱۴۰۱)، «تفاوت شعر طبیعی با شعر درباره طبیعت و خوانش مانیفست شعر سبز»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره اول، شماره اول، صص ۷۹-۱۰۰
- انصاری‌کیا، امید (۱۴۰۳)، «فرزند زمان خود بودن در شعر سهراب، شاملو و اخوان ثالث»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۳، شماره ۵، صص ۷۷-۱۰۰
- انصاری‌کیا، امید (۱۴۰۴)، «تأملی بر ناتوریست و سمبولیسم، محملی برای بیان رئالیسم در ادبیات معاصر»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۴، شماره ۷، صص ۹۵-۱۲۰
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۸)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: مروارید.
- زرین کوب، عبدالحسین (۲۰۰۹)، *از کوچه زندان*، تهران: امیرکبیر.
- کاظم پور، مهسا (۲۰۲۲)، «نقش ترجمه در گسترش فرهنگی جوامع (با تکیه بر رمان سرگذشت ژیل بلاس اثر آلن رنه لوساژ)»، *مطالعات نقد زبانی و ادبی*، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۵۶-۷۸
- جمالزاده، محمد علی (۱۳۹۴)، *یکی بود یکی نبود*، تهران: سخن.
- جوادی، حسن (۱۳۹۳)، *تاریخ طنز در ادبیات فارسی*، تهران: کاروان.
- خانلری، پرویز (۱۳۹۰)، *تاریخ زبان فارسی*، تهران: نیل.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۲۰۱۴)، *با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران*، تهران: سخن.
- شامیان ساروکلانی (۲۰۱۰)، «حکایت‌های لافونتن در شعر معاصر ایران»، *تاریخ ادبیات*، دوره ۲، شماره ۴
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *ادوار شعر فارسی*، تهران: سخن.

- صیدی، ناهید (۱۴۰۱)، «نوآوری‌ها در فرم ذهنی غزل فرم و غزل مینی‌مال»، پژوهش‌های نوین ادبی، دوره اول، شماره اول، صص ۱۴۷-۱۷۰
- عباسی فریدنی، بهروز (۱۴۰۲)، «انگیختارهای اسطوره‌گرایی رمان غرب»، پژوهش‌های نوین ادبی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۸۳-۲۰۱
- عبداله زاده نصرالدین (۱۴۰۳)، «ردپای موسیقی غزلیات بیدل دهلوی در غزلیات سلیمان بابانی»، پژوهش‌های نوین ادبی، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۸۷-۲۱۲
- فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۴)، *سرآغاز نواندیشی معاصر*، تهران: علمی و فرهنگی.
- فلاح، سارا (۱۴۰۲)، «جلوه‌های طنز در دفتر دوم مثنوی»، پژوهش‌های نوین ادبی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۰۳-۲۳۰
- فیروزآبادی، سیدسعید (۲۰۰۹)، «نیما یوشیج و رایبر ماریا ریلکه نمونه‌ای از تأثیر ادبیات آلمان بر ادبیات معاصر ایران»، *مطالعات ادبیات تطبیقی*، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۰۳-۱۱۴
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۹۰)، *مدارس جدید در دوره قاجاریه*، تهران: نشر دانشگاهی.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۹۵)، *ایران جامعه کوتاه‌مدت*، تهران: نی.
- کامشاد، حسن (۱۳۸۶)، *پایه‌گذاران نثر جدید فارسی*، تهران: نی.
- مسعود مهری، حسام‌پور سعید (۲۰۲۱)، *نقد و مقایسه شیوه تاریخ ادبیات نگاری دو کتاب تاریخ و تحول ادبیات جدید ایران و پایه‌گذاران*، تهران: نثر جدید فارسی.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۹۱)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- مینوی، مجتبی (۱۳۸۸)، *نقد حال*، تهران: خوارزمی.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۹۷)، *صد سال داستان‌نویسی در ایران*، تهران: چشمه.
- ناطق، هما (۱۳۸۹)، *کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران*، تهران: خوارزمی.
- درانی، عصمت (۲۰۱۱)، «تصویر زن در شعر شاعران زن معاصر ایران»، *دانش*، دوره ۲۷، شماره ۱۰۴، صص ۱۹۷-۲۱۶
- همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۹۲)، *دولت و جامعه در ایران*، تهران: مرکز.
- یارشاطر، احسان (۱۳۹۵)، *تاریخ ادبیات فارسی نوین*، تهران: سخن.

The Influence of Western Literature on Contemporary Iranian Poetry

Raheleh Iranpour

۱. Instructor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Bayza Branch, Bayza, Iran. Email: rahele.iranpour@iau.ac.ir

Article Info (۷۱–۹۲)

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
۰۲/۱۱/۲۰۲۴

Accepted:
۰۷/۰۵/۲۰۲۵

Keywords:
Translation,
Contemporary Poetry,
Western Literature,
Influence,
Western Literature

Contemporary Iranian poetry, especially from the late Qajar period and after the Constitutional Revolution, underwent significant transformations under the influence of Western literature. This influence is evident in both form and content. Iranian poets, familiar with European literature—particularly the schools of Romanticism, Symbolism, and Modernism—moved away from traditional Persian poetic forms and embraced innovation in structure and expression. Nima Yooshij, known as the father of modern Persian poetry, inspired by Western techniques, brought about a fundamental transformation in Iranian poetry, introducing concepts such as individualism, nature-oriented themes, and a critical perspective on society into Persian poetry. These influences were not limited to form; we also witnessed changes in content. Contemporary poets, inspired by the philosophical, social, and political themes of Western literature, addressed issues such as humanity, freedom, justice, and existence. This cultural interaction allowed contemporary Iranian poetry to act as a bridge between tradition and modernity, playing a significant role in reflecting the intellectual and social transformations of society. Ultimately, the influence of Western literature not only enriched Persian poetry but also positioned it as part of the global literary movement.